

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۳ ماه می ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۶

قصائد

-۲۲-

در مدح ملا احمد قاضی

عید فرخنده و مبارک باد
قاضی شرق و غرب جمله جهان
نائب شرع احمد مُرسل
سُدّه^۲ حکمتش، فلک پیوند
جود او، مزرع امل را آب
ای قمر طلعت عطارد هوش
ای به پیش تو آفتاب مُنیر

بر مه اوج فضل و دانش و داد
مفتی بر و بحر جمله بلاد
حامی داد و ماحی^۱ بیداد
پایه دولتش، قوی بنیاد
عدل او، خرمن جفا را باد
ای فلک حشمت فرشته نهاد!
همچو اندر بر بیاض، سواد^۳

^۱ "ماهی"؛ یعنی "نابود کننده"؛ اسم فاعل مصدر "محو"

^۲ "سُدّه"؛ کلمه عربی و در معنای "درگاه" و "کرسی"

^۳ "بیاض" و "سواد"؛ کلمات عربی؛ اولی در معنای "سفیدی" و دومی در معنای "سپاهی"

دیده آفتاب، چون تو ندید مادر روزگار، چون تو نزاد
کفر از بیم دُرّه تو خراب شرع از نوکِ خامه ات آباد
فیض و جود از تو عالم و عامی شادمان از تو، بنده و آزاد
بحر و کان از مواهبت غمگین حرص و آز از مکارمت، ناشاد
سُدّ خرم، تو، همچو روئین^۴ دژ در ره فتنه، پارهٔ فولاد
وصف قدرت برون ز حد و حساب شرح جاهت، فزون ز کلکِ مداد
تا بر افلاک سائر^۵ اند، اجرام^۶ تا به ایام اندر اند اعیاد

باد عمّری، چنان مدید^۷ ترا

که بجوید زمان ازان، امداد

^۴ "روئین"، یعنی "فولاد"

^۵ "سائر": کلمهٔ عربی و در معنای "متحرک و روان"؛ اسم فاعل مصدر ثلاثی "سیر"

^۶ "اجرام": جمع "جرم" (به کسر اول)؛ یعنی "کرات سماوی" یا "ستارگان"

^۷ "مدید": کلمهٔ عربی و در معنای "طولانی"؛ صفت مشبّهه از مصدر "مدّ"